

تاریخ تحولات «سن رشد»

در نظام حقوقی ایران

مؤلفان:

دکتر غلامرضا جلالی

معاون نصاب، رئیس کل دادگستری کل استان مرکزی

دکتر محمد رضا جلالی

عضو هیأت علمی دانشگاه



مجمع علمی و فرهنگی مجد



سرشناسه	: جلالی، غلامرضا،
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ تحولات سن رشد در نظام حقوقی ایران / تألیف غلامرضا جلالی ، محمدرضا جلالی.
مشخصات نشر	: تهران: مجد، ۱۳۹۶.
شابک	: ۸-۸۷۸-۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: سن (حقوق) -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Age (Law) -- Iran -- History
موضوع	: حقوق مدنی -- ایران
موضوع	: Civil rights -- Iran
موضوع	: اشخاص (حقوق) -- ایران
موضوع	: Persons (Law) -- Iran
شناسه افزوده	: جلالی، محمدرضا،
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ت ۷۴ ج ۵۰ / KMH
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۲۰۰
شماره کتابشناسی	: ۴۹۵۱۲/۱

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخلف را به دادرسی مرزی «مجد» گزارش فرمایید.

تاریخ تحولات «سن رشد» در نظام حقوقی ایران

مؤلفان: دکتر غلامرضا جلالی، دکتر محمدرضا جلالی

انتشارات مجد

چاپ اول: اسفند ۱۳۹۶ تعداد: ۵۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹، طبقه پنجم

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۸-۸۷۸-۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-193-878-8

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.com

E-mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۹
فصل اول: کلیات	۱۳
مبحث اول: معنای رشد.....	۱۳
گفتار اول: معنای رشد در لغت.....	۱۳
گفتار دوم: معنای رشد در اصطلاح.....	۱۴
گفتار سوم: انواع رشد.....	۱۶
گفتار چهارم: نسبت رشد مدنی با رشد جزایی.....	۱۷
گفتار پنجم: تطبیق در عنوان رشد مدنی و جزایی در حقوق موضوعه.....	۱۷
مبحث دوم: انطباق قانون مدنی با فقه.....	۲۰
مبحث سوم: گذری بر رمان تسوین قانون مدنی.....	۲۵
مبحث چهارم: تعیین سن برای رشد.....	۲۶
مبحث پنجم: اذن در شئی اذن در اهرام آ.....	۲۹
فصل دوم: سن رشد	۴۳
مبحث اول: ورود عبارت «سن رشد» به قانون مدنی.....	۴۳
مبحث دوم: اولین جرعه در تغییر سن رشد.....	۴۴
مبحث سوم: انقلاب اسلامی و موضوع «سن رشد».....	۴۸
فصل سوم: تفسیر ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی	۵۳
مبحث اول: شرح و تفسیر ماده ۱۲۱۰ و تبصره آن از سوی شورای نگهبان.....	۵۳
مبحث دوم: ورود هیأت عمومی دیوان عالی کشور به موضوع.....	۵۸
مبحث سوم: اصلاحات دائمی قانون مدنی بعد از اصلاحات آزمایشی در دهه شصت.....	۶۲
مبحث چهارم: درخواست اعلام مغایرت ماده ۱۲۱۰ با شرع و پاسخ شورای نگهبان.....	۶۳
مبحث پنجم: نظریات مشورتی اداره حقوقی، اسناد و مترجمین قوه قضائیه.....	۷۰
گفتار اول: نظرات مشورتی اداره حقوقی قبل از انقلاب اسلامی.....	۷۰
گفتار دوم: نظرات مشورتی اداره حقوقی بعد از انقلاب اسلامی.....	۷۲
گفتار سوم: نقد یک نشست قضایی.....	۷۵
مبحث ششم: آیا قانون راجع به رشد متعاملین نسخ نشده است؟.....	۷۶
مبحث هفتم: آیا افراد زیر ۱۸ سال صغیرند؟.....	۸۱

مبحث هشتم: چرا در بحث «تابعیت» سن ۱۸ سال ملاک است؟	۸۴
مبحث نهم: آیا رشد در ماده ۱۲۱۰ در مورد غیر معاملات است؟	۸۶
مبحث دهم: آیا ماده ۱۲۱۰ با تبصره ۲ آن تعارض دارد؟	۹۲
مبحث یازدهم: چه تفاوتی میان اموال قبل و بعد بلوغ است؟	۹۵
مبحث دوازدهم: آیا در شرع هم مثل تفاوت ماده ۱۲۱۰ با تبصره ۲ آن وجود دارد؟	۹۵
مبحث سیزدهم: اصل بر رشید بودن است یا غیر رشید بودن؟	۹۷
مبحث چهاردهم: وظیفه مخاطبان قانون در زمان حاضر	۹۹
مبحث پانزدهم: تشکیک در رشد	۱۰۱
مبحث شانزدهم: رشد قبل از بلوغ	۱۰۱
مبحث هفدهم: چونگی احراز رشد	۱۰۲
فصل چهارم: روایات و فقهات	۱۰۵
مبحث اول: نگاه به روایات	۱۰۵
مبحث دوم: استفاده از نهج‌های اصغر	۱۰۶
فصل پنجم: تطبیق و نتیجه گیری	۱۱۳
مبحث اول: تطبیق میان آراء و نظرات استنادی در این موضوع	۱۱۳
گفتار اول: تطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ با ماده اصلاحی	۱۱۳
گفتار دوم: تطبیق ماده ۱۲۱۰ با نظر شورای نگهبان و شورای عالی قضایی	۱۱۳
گفتار سوم: تطبیق تبصره ۲ با نظر شورای نگهبان و نظریه شورای عالی قضایی	۱۱۴
گفتار چهارم: تطبیق تبصره ۲ با شرع مقدس و رأی وحدت رویه	۱۱۵
گفتار پنجم: تا مدت‌ها ماده ۱۲۰۹ منسوخ در مجموعه قوانین درج می‌شد	۱۱۶
گفتار ششم: تحولات ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی	۱۱۷
گفتار هفتم: اموال صغیر	۱۱۷
گفتار هشتم: تطبیق مواد ۱۲۱۰ و ۱۱۸۰ قانون مدنی	۱۱۸
گفتار نهم: تطبیق اصطلاحات قانون مدنی	۱۱۸
مبحث دوم: نتیجه گیری	۱۱۹
فهرست منابع	۱۲۱

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمین و سلام و صلوات بر پیامبر اکرم و اهل بیت پاک و مطهر ایشان. مخاطبین محترم سلام. همان طور که می‌دانیم؛ با ظهور انقلاب اسلامی و فرمان امام خمینی رحمه الله علیه مبنی بر اسلامی شدن قوانین و عمل نکردن به قوانین غیر اسلامی قبل از آن، بهادی عظیم از سوی تمامی نهادهای انقلابی به خصوص قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی، در این رابطه شکل گرفت. از جمله این موارد که دامنه ای بسیار در ایجاد بحث های جدید و متفاوت با خود به همراه داشت، اصطلاحی با عنوان «سن رشد» اشخاص در معاملات بود. این موضوع از این جهت با اهمیت بود که اشخاص، برای انجام معاملات، می‌بایست که عاقل و رشید و بالغ باشد. عقل را که افراد عادی جامعه خوب متوجه هستند و به بعضی آنکه شخصی از خود رفتارهای غیر عاقلانه نشان دهد با او وارد معامله نمی‌شوند و بلوغ «سن رشد» در شرع مقدس و قوانین فعلی مشخص شده، سن و مشخصات ثابتی برای خود دارد و فقط می‌ماند «رشد»؛ البته نه از این جهت که قانون مشکل داشته باشد بلکه مشکل از جهت دریافت زبان قانون است. همان چیزی که ابتداءً به واسطه فاصله گرفتن از فقه بود که به جای اصطلاح «رشید بودن» با اصطلاح «سن رشد» در میان حقوقدانان شناخته شد و همین امر انحرافات بعدی را در پی داشته است. این موضوع که از سال ۱۳۱۳ هجری شمسی شروع شده تا سال ۱۳۵۷ از نظر حقوقی و قانونی شکل ثابتی به خود داشت و آن اینکه همه ی اشخاص زیر ۱۸ سال برای اثبات رشید بودنشان باید دادگاه‌ها می‌شدند. در سال ۱۳۶۱ با نقطه عطفی فقیهانه، این مقررات شکل شرعی و عاقلانه ی خود را پیدا کرد که به علت بی توجهی به آن گاه‌ها مورد غفلت واقع می‌شود و گاه به اشتباه قائل به اختلاف ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ۲ آن می‌شویم. لذا این نوشتار رسالت عظیمی را بر عهده گرفته تا اصلاحات دهه شصت در این زمینه را یادآور گردد و ان شاء الله از این طریق،

درک واقع بینانه تری از ماده ۱۲۱۰ و تبصره ۲ آن داشته باشیم.

از آنجا که دشواری‌های فراوانی در جلوی قدم‌ها و قلم‌های این نوشتار احساس می‌شد لذا در نگارش کتاب حاضر، از استاد ارجمندم؛ جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا جلالی، مستشار محترم دادگاه‌های تجدیدنظر و ریاست محترم شوراهای حل اختلاف استان مرکزی، یاری طلبیدم و ایشان نیز با سعه صدری وصف ناشدنی، علی‌رغم گرفتاری‌های کاری، علاوه بر یاری در زمینه مسائل فقهی، کمک‌های قابل توجهی که نتیجه تجربیات سالیان قضاوت در محاکم بود را نیز در اختیار بنده قرار دادند تا این نوشتار سرانجام لازمه به‌خرد گرفت.

خاطر نشان کنم هدف این کتاب، ارائه مطالبی سودمند به حقوقدانان از جمله قضات، اساتید، دانشجویان و محققان است. گرامی در جهت درک صحیح مفهوم ماده ۱۲۱۰ اصلاحی و تبصره ۲ آن می‌باشد، از این جهت از تمامی طلاب، دانشجویان و مخاطبان فهیم جامعه فقهی و حقوقی می‌خواهم تا با ارائه نظرات ارزنده خود، ما را در راستای پربارتر شدن این مجموعه یاری فرمایند.

در انتها بر خود لازم می‌دانم از زحمات جناب آقای دکتر سید عباس حسینی نیک مدیر محترم مجمع علمی و فرهنگی مجدسات ببول زحمت انتشار این اثر، کمال سپاسگزاری را داشته باشم.

محمدرضا جلالی

مستان ۱۳۹۶

مقدمه

در تطبیق مقررات و قوانین با موازین شریعت اسلامی پس از تصویب اصول چهارم و هفتاد دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نحو وسیعتری در سال ۱۳۶۱ مورد توجه مراجع قانونگذاری ایران قرار گرفت. وزارت دادگستری در خرداد همان سال اعلام نمود که چندین طرح برای اصلاح قوانین مختلف از جمله اصلاح قانون مدنی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. مجلس نیز در جلسه ۳۳۴ خود در تاریخ ۶۴/۲۰ تصویب گرفت که طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، تهیه قانون اصلاح قانون مدنی از سوی مجلس شورای اسلامی تفویض نماید و پس از تصویب، برای مدت پنج سال بصورت آزمایشی به مرحله اجرا درآید. کمیسیون امور قضائی نیز پس از بررسیهای مختلف در تاریخ ۶۱/۱۰/۸ با اصلاحاتی در عنوان و متن و قبول اصلاح پیشنهادی شورای نگهبان قانون اساسی، مراتب از قانون مدنی را تصویب نموده که متن آن پس از تأیید شورای نگهبان جهت اجراء، در تاریخ ۶۱/۱۲/۲ به دولت ابلاغ گردید. این قانون مجموعاً ۴۸ ماده از مواد قانون مدنی را به استثناء در ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ (جلد اول) و سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ (جلد دوم و سوم) حاوی ۱۱ ماده به تصویب مراجع قانونگذاری وقت رسیده بود، حذف و یا تغییر و اصلاح نموده در سه قسمت مختلف مورد توجه است. اصلاحات و تغییرات وارده بر قانون مدنی در اکثر موارد جهت تطبیق مواد آن با احکام اسلامی به تصویب رسیده، در پاره ای مواضع هماهنگی قانون مدنی با سایر مقررات موضوعی که در ساله ای اخیر به تصویب رسیده است مورد نظر بوده و بالاخره در بعضی موارد اصلاح لغوی و عبارتی قانون مدنی مورد توجه قرار گرفته است.

عمده ترین بخش از مقررات اصلاحی قانون مدنی برای هماهنگ نمودن مواد آن با

موازین شریعت اسلامی به تصویب رسیده است. قانونگذار به دو نحو به این امر اقدام نموده. در پاره ای از موارد پس از نسخ موادی که معارض با موازین شرعی می‌شناخته مقررات جدیدی را جایگزین آن‌ها کرده است، مانند ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، ولی در پاره ای از موارد تنها اقدام به حذف مواد سابق نموده و بدین وسیله حکمی را که در قانون مدنی بر خلاف موازین اسلامی تلقی می‌نموده، لغو نموده است؛ بدون اینکه متنی بر جای آن نهاده باشد مانند ماده ۱۲۰۹ قانون مذکور. همانطور که در پیشگفتار هم خاطر نشان کردیم عزیزان مخاطب باید توجه داشته باشند که این نوشتار به دنبال پرداختن به بحث‌های چالشی میان فقها و حقوقدانان نمی‌باشد زیرا در نهایت و پس از درک صحیح ما از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ۲ آن، خود بخود این موضوع روشن می‌شود و چنان ساده و بی‌الایش این سرعوت مطرح گردیده که مخاطب محترم را در مقام عمل به ماده ۱۲۱۰ و تبصره ۲ آن متقاعد کرده و جایی برای بحث‌های چالشی باقی نمی‌گذارد.

سابقه موضوع به شن مقدس باز می‌گردد و اینکه قوانین ما باید مطابق آن باشد و قانون مدنی مصداق بارز احکام اسلام ما است چرا که برگرفته از کتاب مقدس شرایع الاسلام مرحوم محقق حلی^(ره) می‌باشد. همین منظور در ادامه به زمان تصویب قانون مدنی باز می‌گردیم و پس از آن به این موضوع می‌پردازیم که چطور اصطلاحی به عنوان «سن رشد» به وجود آمد و بعد از آن تغییرات چشمگیر قانون مدنی با تأکید بر تغییراتی که توجهی به آن‌ها نشده و مورد غفلت مانده اند می‌پردازیم و در هر مورد به اقتضای نیاز به شرع مقدس و صرفاً فقه امامیه اشاره می‌کنیم و غرض از عدم ورود به بحث‌های چالشی و همچنین دعوای میان حقوقدانان و فقه عامه این است که این منبع با وقایع قانونگذاری کار دارد و اینکه ما موظف به اجرای قانون موضوعه هستیم نه این که هر کس به سلیقه خود عمل نماید و در نهایت با درک صحیح ماده ۱۲۱۰ و تبصره ۱ آن هر بحث چالشی از هر کس مطرح گردد با توجه به مبانی ای که این کتاب در پیش گرفته خود به خود حل می‌شود.

کتاب حاضر را می‌توان یک دوره تاریخ حقوق تمام عیار راجع به یک ماده قانونی دانست که نویسنده آن نه تنها برای عمل به وظیفه علمی خود، در سوابق و تاریخ قانونگذاری آن سیر کرده بلکه مخاطب محترم نیز باید این سیر تاریخی را در نظر داشته باشد تا بتواند به نحو صحیح حکم نماید و دچار دوگانگی و تعارض نشود.

لازم به ذکر است که در این نوشتار به نظرات شورای عالی قضایی و شورای نگهبان بسیار تأکید شده زیرا شورای عالی قضایی در زمان بعد از انقلاب اسلامی، عالی ترین مقام قضایی بود که موجب حذف ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی و اصلاح ماده ۱۲۱۰ این قانون شد و بعد خودش هم این ماده را تفسیر می کند و شورای نگهبان هم که مشروعیت قوانین با اوست.

مجموعه حاضر را برای آن تدارک دیدیم که قضات ارجمند، وکلای گرامی و محصلینی که فردا روز در این مناسب قرار می گیرند آگاه به واقعیت ها بوده و به آن عمل کنند؛ چرا که امام خمینی رحمه الله علیه فرمود: «قوه قضاییه باید توجه بکند که سر و کارش با جان و مال مردم است، نوامیس مردم، سر و کار این با آنهاست و باید افراد صالح در آنجا باشند، سالم باشند و توجه بکنند که خطای قاضی بزرگ است. عمدش مصیبت بار است. خطای هم بزرگ است، باید خیلی در این معنا توجه کنند»^۱ و مجموعه حاضر برای توجه دادن به همین موضوع است.